اخبار

## مختصات رینگ صادراتی بورس کالا تشریح شد

**ایراسین** | مدیر نظارت بر بازار بورس کالا، رینگ صادراتی را نه فقط یک پلتفرم معامله، بلکه ابزاری راهبردی برای انضباط در تجارت خارجی می‌داند. او با تأکید بر اینکه در این ساختار مسوول رفع تعهدات ارزی به دقت مشخص است، تصریح می‌کند: به کارگیری گواهی صادراتی و کشف قیمت بر مبنای نرخ‌های جهانی، هر گونه رانت و رقابت منفی میان صادرکنندگان را از بین می‌برد. این سازوکار که اکنون با اتصال برخط به گمرک و سازمان توسعه تجارت همراه شده، عملاً مسیر صادرات را از ابهام خارج کرده و به سمت رقابتی شفاف، عادلانه و قانون‌مند هدایت می‌کند. با ابلاغ مصوبه وزارت صنعت، معدن و تجارت مبنی بر انجام صادرات برخی محصولات از مسیر رینگ صادراتی بورس کالا، این سازوکار معاملاتی بیش از گذشته مورد توجه فعالان اقتصادی قرار گرفته است. در این میان، رینگ صادراتی بورس کالا به عنوان بستری شفاف و رقابتی، علاوه بر تسهیل فرآیند معاملات، نقش مهمی در ساماندهی تجارت خارجی، مدیریت تعهدات ارزی و تقویت ارتباطات سیستمی با دستگاه‌های مرتبط ایفا می‌کند. صادق قویم، مدیر نظارت بر بازار بورس کالای ایران به تشریح ابعاد اجرایی این مصوبه، سازوکار معاملات صادراتی، جایگاه تجار و شرکت‌های بازرگانی و زیرساخت‌های ایجادشده برای تسهیل فرآیند صادرات پرداخته است. مصوبه جدید وزارت صمت چه تغییری در سازوکار معاملات صادراتی ایجاد می‌کند؟ آیا دغدغه‌ای از بابت ورود واسطه‌ها به این فرآیند وجود ندارد و اینکه بورس کالا چگونه به شفاف‌تر شدن صادرات و ایفای تعهدات ارزی کمک خواهد کرد؟ اصولا ماهیت معاملات صادراتی با معاملات بازار فیزیکی داخلی بورس کالا متفاوت بوده و جنس معاملات در آن بازار از نوع تجاری است؛ به این ترتیب موضوع ورود اشخاص به آن تحت عنوان واسطه به عنوان یک دغدغه مطرح نیست. موضوع مهم در تجارت خارجی کشور در مرحله اول بحث ایفای تعهدات صادراتی عرضه‌کننده و در مرحله دوم جلوگیری از رقابت منفی میان صادرکنندگان است که هر دو با استفاده از ابزار گواهی صادراتی بورس کالا به راحتی قابل مدیریت خواهد بود، چراکه در معاملات صادراتی بورس کالا و مطابق با قواعد تجارت بین‌الملل (اینکوترمز) طرف مجاز به اظهار کالا به گمرک و در نتیجه مسوول رفع تعهد ارزی مشخص بوده و در نتیجه امکان ورود واسطه جدیدی به این فرآیند وجود ندارد. همچنین با انجام معاملات با قیمت ارزی، رانتی تحت عنوان اختلاف بین ارز نیمایی و آزاد وجود نخواهد داشت. رینگ صادراتی بورس کالا چه نقشی در کشف قیمت صادراتی و ایجاد رقابت منصفانه در بازارهای هدف ایفا می‌کند؟ قیمت‌های پایه در رینگ صادراتی بورس کالا بر مبنای قیمت‌های جهانی و منطقه‌ای تعیین شده و معاملات در نهایت بر اساس قیمت کشف‌شده حاصل از تقابل عرضه و تقاضا انجام می‌شود. این امر در کنار مشخص بودن مسوول رفع تعهد ارزی، امکان فروش محصول صادراتی با قیمتی پایین‌تر از ارزش کالا در بازار مربوطه را به حداقل می‌رساند. همچنین ارتباط سیستمی میان سامانه معاملاتی بورس کالا و نهادهای مرتبط با موضوع تجارت خارجی و جلوگیری از انجام معامله توسط اشخاصی که به هر دلیل و از نظر متولیان تجارت خارجی مجاز به انجام صادرات نیستند نیز در راستای حل چالش‌های مربوطه کمک‌کننده است. علی‌رغم تمامی این توضیحات باید در نظر داشت مسوولیت بورس کالا به عنوان یک پلتفرم معاملاتی انجام معاملات به صورت شفاف، عادلانه و رقابتی خواهد بود. در رینگ صادراتی، چه سازوکاری پیش‌بینی شده تا مقصدنهایی کالا برای تولیدکننده شفاف باشد و همچنین رقابت‌های منفی داخلی در خارج از مرزها کاهش یابد؟ در معاملات صادراتی بورس کالا، امکان تعیین بازار هدف و مرزهای خروجی مدنظر فروشنده وجود داشته که می‌تواند به شفاف‌شدن بازارهای صادراتی کمک کند. همچنین با توجه به مشخص بودن قیمت و مسوول رفع تعهد ارزی در این معاملات امکان رقابت منفی به حداقل می‌رسد. در چارچوب مقررات جدید، جایگاه شرکت‌های بازرگانی و تجار در معاملات صادراتی بورس کالا چگونه تعریف شده است؟ تمامی فعالان بازارهای صادراتی در صورت احراز شرایط تعیین شده توسط متولیان صادرات کشور امکان فعالیت در رینگ صادراتی بورس کالا را داشته و محدودیتی در این زمینه وجود ندارد. تجار و شرکت‌های بازرگانی نیز مطابق با قواعد تجارت بین‌الملل و بر اساس ترم‌های تحویل استاندارد در این بازار حضور داشته و از این بازار حذف نخواهند شد. این رویه هم اکنون در معاملات صادراتی قیر و سیمان برقرار و در حال انجام است. برای تسهیل فرآیند صادرات، چه زیرساخت‌ها و ارتباطات سیستمی میان بورس کالا و دستگاه‌های مرتبط ایجاد شده است؟ تمامی روابط سیستمی میان بورس کالا و گمرک و سازمان توسعه تجارت برقرار بوده و اطلاعات مربوط به معاملات انجام‌شده بلافاصله بعد از اتمام فرآیند مربوطه در بورس کالا به صورت برخط و به منظور آغاز فرآیندهای اجرایی صادرات و ترخیص کالا در اختیار گمرک قرار می‌گیرد.

## زیان به صندوق بازنشستگی نفت در پی واگذاری سهام هلدینگ خلیج فارس

**اکوجهان** | سخاوت اسدی، عضو رییس هیات رییسه صندوق‌های بازنشستگی صنعت نفت در گفت‌وگو با میزان گفت: واگذاری بخشی از سهام هلدینگ خلیج‌فارس در سنوات قبل موجب زیان به دارایی مردم شده و تا جبران کامل آن خود را مکلف می‌دانیم. برآوردهای کارشناسی نشان می‌دهد این معامله بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان (۱۰۰ همت) به صندوق‌های بازنشستگی صنعت نفت زیان وارد کرده است. در دوره‌های قبل ۱۲ درصد از سهام هلدینگ خلیج‌فارس به‌صورت بلوک مدیریتی و با شرط برخورداری از یک کرسی مدیریتی، با قیمتی حدود سه برابر قیمت روز به صندوق‌های بازنشستگی صنعت نفت واگذار شد، اما در عمل سازمان خصوصی‌سازی به تعهد خود مبنی بر واگذاری کرسی مدیریتی عمل نکرد. در نتیجه، سهامی که بدون حق مدیریت به صندوق واگذار شد، در عمل با قیمتی چند برابر ارزش یک سهم عادی خریداری شده است. بر اساس برآوردهای کارشناسی، خسارت قابل توجهی به دارایی‌های صندوق وارد کرده و مقدار این زیان بیش از ۱۰۰ همت برآورد می‌شود. در جریان این معامله، نزدیک به ۳۰ درصد از دارایی‌های صندوق‌های بازنشستگی صنعت نفت تحت تأثیر قرار گرفت و خسارت سنگینی به این مجموعه وارد شد. با توجه به مطالبه حدود ۸۳ هزار نیروی رسمی وابسته به صندوق بازنشستگی صنعت نفت و حدود ۱۱۰ هزار نفر بازنشسته عضو این صندوق از سال ۱۴۰۳؛ احقاق حقوق این افراد در دستور کار جدی این صندوق است.

### «تعادل» روند معاملات بازار سهام در هفته‌ای که گذشت را بررسی می‌کند

# رالی صعودی بورس ادامه دارد؟

بازار سهام یک هفته سراسر مثبت را پشت سر گذاشت و توانست در مقابل بازارهای موازی شرایط بهتری را برای خود رقم بزند. باوجوداینکه هفته گذشته بورس تهران یک روز تعطیل را پشت سر گذاشت اما توانست بازدهی قابل توجهی را تجربه کند. دومین هفته مردادماه توانست یکی از پررونق‌ترین و مثبت‌ترین هفته‌های بازار سهام شود. هفته‌ای که گرچه به دلیل تعطیلی رسمی روز سه‌شنبه، تنها چهار روز معاملاتی داشت، اما از نظر رشد شاخص‌ها، ورود نقدینگی حقیقی و افزایش تقاضا در اغلب نمادها، عملکردی قابل توجه ثبت کرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بورس تهران هر روز ارزنده‌تر از روز گذشته می‌شوند. انتشار گزارش عملکرد شرکت‌های بورسی در تیرماه و مثبت‌شدن اخبار سیاسی جزو مهم‌ترین محرک‌های سیاسی بود که توانست بازار را صعودی سازد. روند عملکرد ماهانه شرکت‌ها نشان می‌دهد که درآمد بسیاری از صنایع بورسی در تیرماه نسبت به مدت مشابه سال گذشته رشد قابل توجهی داشته‌اند؛ اما مساله اساسی اینجاست که قیمت سهام آنها هنوز رشد قابل توجهی نداشته و به‌نوعی می‌توان گفت که قیمت سهام همچنان بسیار پایین است و سرمایه‌گذاری در این سهام می‌تواند سود خوبی برای سرمایه‌گذاران در پی داشته باشد.

### صعود یکپارچه بورس

شاخص کل بورس تهران در پایان معاملات چهارشنبه هفته گذشته در محدوده ۵ میلیون و ۷۵ هزار واحد قرار داشت، اما در پایان معاملات این هفته به سطح ۵ میلیون و ۴۰۷ هزار واحد رسید و در نهایت نماگر اصلی بازار سرمایه طی چهار روز معاملاتی حدود ۳۳۲ هزار واحد رشد کرد که معادل بازدهی مثبت ۶.۵۶ درصدی است. در همین مدت، شاخص کل هم‌وزن نیز از محدوده یک میلیون و ۴۳۲ هزار واحد به یک میلیون و ۵۳۴ هزار واحد افزایش یافت و بازدهی مثبت حدود ۷.۱۵ درصدی را ثبت کرد. بازدهی شاخص هم‌وزن بیش از شاخص کل بود و این موضوع نشان می‌دهد که صعود بازار در هفته اخیر تنها متکی بر نمادهای بزرگ، شاخص ساز و شرکت‌های باارزش بالا نبود، بلکه سهام کوچک و متوسط نیز نقش پررنگی در این موج صعودی ایفا کردند. برتری بازدهی شاخص هم‌وزن نسبت به شاخص کل، معمولا از گسترش عرض بازار و مشارکت فراگیرتر صنایع و نمادها در روند مثبت حکایت دارد. به بیان دیگر، رشد بازار در این هفته محدود به چند صنعت بزرگ یا سهم‌های دلاری نبود و بخش مهمی از نمادهای کوچک‌تر نیز با افزایش تقاضا و ورود پول مواجه شدند. چنین وضعیتی، در صورت تداوم، می‌تواند نشانه‌ای از بهبود نسبی فضای عمومی معاملات و افزایش اشتهای ریسک سرمایه‌گذاران تلقی شود.

### بازگشت پرقدرت پول حقیقی به بازار سهام

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های معاملات این هفته، ورود قابل توجه نقدینگی حقیقی به بازار بود. مجموع ورود پول حقیقی به بورس در چهار روز معاملاتی هفته به ۱۳ هزار و ۲۹۵ میلیارد تومان رسید؛ رقمی سنگین که از تغییر محسوس رفتار معامله‌گران خرد و افزایش اقبال سرمایه‌گذاران به سهام خبر می‌دهد. البته هفته با یک شروع محتاطانه همراه بود. در روز شنبه، بازار شاهد خروج یک‌هزار و ۴۱۸ میلیارد تومان پول حقیقی بود؛ اتفاقی که نشان می‌داد بخشی از سرمایه‌گذاران همچنان در مواجهه با شرایط بازار و ریسک‌های موجود، جانب احتیاط را حفظ کرده‌اند. با این حال، از روز یکشنبه شرایط بازار تغییر کرد. در نخستین روز کاری پس از شنبه، ۲ هزار و ۶۴۵ میلیارد تومان پول حقیقی وارد بورس شد و بازار نشانه‌های اولیه بازگشت تقاضا را بروز داد. این روند در روز دوشنبه‌شدت بیشتری گرفت؛ به‌طوری که ورود پول حقیقی در این روز به ۵ هزار و ۸۳۵ میلیارد تومان رسید. اوج این جریان در روز چهارشنبه رقم خورد؛ روزی که بیش از ۶ هزار و ۲۳۳ میلیارد تومان نقدینگی حقیقی به بازار سهام وارد شد. ثبت چنین رقمی نشان می‌دهد که در پایان هفته، خوش‌بینی معامله‌گران نسبت به تداوم روند مثبت افزایش یافت و بخش بزرگی از نقدینگی منتظر، راهی بازار سهام شد. روند ورود پول حقیقی در طول هفته از یک منظر دیگر نیز اهمیت دارد. افزایش تدریجی حجم ورود نقدینگی، از ۲۶ همت در یکشنبه به ۵.۸ همت در دوشنبه و سپس بیش از ۶.۲ همت در چهارشنبه، بیانگر آن است که تقاضا به‌صورت ناگهانی و تک‌روزه شکل نگرفته، بلکه در طول روزهای معاملاتی تقویت شده است. این موضوع می‌تواند نشانه‌ای از افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران به روند صعودی بازار باشد؛ هرچند پایداری آن به متغیرهایی همچون شرایط سیاسی، روند بازارهای موازی، گزارش‌های شرکت‌ها و تصمیمات سیاست‌گذار بورسی وابسته خواهد بود.

### کاهش ارزش معاملات نه از جنس ضعف تقاضا

ارزش معاملات سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی در این هفته نیز قابل توجه بود، اما روندی نزولی را از ابتدای هفته تا پایان آن تجربه کرد. بیشترین ارزش معاملات در روز شنبه و در سطح ۲۶ هزار و ۴۵ میلیارد تومان ثبت شد. پس از آن، ارزش معاملات در روز یکشنبه به ۲۲ هزار و ۹۸۰ میلیارد تومان رسید. ارزش معاملات در روز دوشنبه نیز ۱۹ هزار و ۵۱۲ میلیارد تومان بود و در روز چهارشنبه به ۲۰ هزار و ۷۴ میلیارد تومان افزایش یافت. در نگاه نخست، کاهش ارزش معاملات نسبت به ابتدای هفته می‌تواند نشانه‌ای از افت گردش نقدینگی یا کاهش تحرک معامله‌گران تعبیر شود، اما بررسی دقیق‌تر وضعیت بازار تصویر متفاوتی را نشان می‌دهد. در دو روز دوشنبه و چهارشنبه، تعداد زیادی از نمادها در صف خرید قفل شدند و عرضه‌کنندگان تمایل چندانی به فروش سهام خود در قیمت‌های جاری نداشتند. در چنین شرایطی، بخش قابل توجهی از سفارش‌های خرید در صف باقی می‌ماند و عملا به معامله تبدیل نمی‌شود؛ بنابراین، پایین‌تر بودن ارزش معاملات در روزهای پایانی هفته را نمی‌توان به‌طور مستقیم نشانه ضعف تقاضا دانست؛ چراکه محدودیت عرضه، عامل اصلی کاهش ارزش داد و ستدها بوده است. به بیان ساده‌تر، بازار با کمبود خریدار مواجه نبود، بلکه با کمبود فروشنده روبه‌رو بود. هنگامی که تعداد زیادی از نمادها با صف خرید بسته می‌شوند، حجم بالای تقاضا پشت تابلوی معاملات باقی می‌ماند و امکان اثرگذاری کامل بر ارزش معاملات روزانه را پیدا نمی‌کند. این وضعیت اگرچه از قدرت تقاضا حکایت دارد، اما از سوی دیگر می‌تواند به افزایش رفتارهای هیجانی و فاصله گرفتن قیمت برخی سهم‌ها از ارزش‌های بنیادی منجر شود.

### افزایش قدرت خرید حقیقی‌ها

بررسی نسبت قدرت خرید حقیقی‌ها نیز روند صعودی بازار در این هفته را تأیید می‌کند. این نسبت در روز شنبه منفی ۱.۲۸ بود که ضعیف‌ترین وضعیت هفته به شمار می‌رفت و نشان می‌داد در آغاز هفته، فروشندگان حقیقی دست برتر را در اختیار داشتند. اما از روز یکشنبه، قدرت خرید حقیقی‌ها به ۱.۲۱ رسید و در روز دوشنبه تا سطح ۱.۷۴ افزایش یافت. این شاخص در پایان معاملات چهارشنبه نیز روی عدد ۱.۷۷ قرار گرفت که بالاترین سطح قدرت خرید حقیقی‌ها در هفته بود. افزایش این نسبت نشان می‌دهد که متوسط ارزش خرید هر کد حقیقی در بازار، به‌طور معناداری از متوسط ارزش فروش آن بالاتر بوده است. تداوم رشد قدرت خرید حقیقی‌ها، هم‌زمان با افزایش ورود پول و گسترش صف‌های خرید، تصویری از تقویت تقاضای خرد در بازار ارایه می‌دهد. با این حال، فعالان بازار باید توجه داشته باشند که ورود پول به‌تنهایی برای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری کافی نیست. بررسی وضعیت سودآوری شرکت‌ها، نسبت‌های ارزش‌گذاری، چشم‌انداز صنایع، ریسک‌های سیاست‌گذاری و نقدشوندگی نمادها همچنان باید در اولویت تصمیم‌گیری قرار گیرد.

### تداوم رشد یا نیاز به استراحت؟

بازدهی بیش از ۶ درصدی شاخص کل و رشد بیش از ۷ درصدی شاخص هم‌وزن در یک هفته کوتاه معاملاتی، بورس تهران را در موقعیتی حساس قرار داده است. از یک سو، ورود ۱۳ همت پول حقیقی، برتری محسوس تقاضا بر عرضه و مشارکت گسترده نمادهای کوچک و متوسط، نشانه‌هایی مثبت برای بازار به شمار می‌روند. از سوی دیگر، رشد سریع قیمت‌ها و افزایش صف‌های خرید می‌تواند زمینه را برای شناسایی سود، عرضه‌های مقطعی و نوسان‌های کوتاه‌مدت فراهم کند.

در چنین شرایطی، ادامه‌دار شدن روند مثبت بازار نیازمند یک محرک قوی است همانند ادامه‌دار شدن اخبار مثبت سیاسی. اگر اخبار سیاسی در حوزه مذاکرات ادامه‌دار شود شاهد صعود اغلب گروه‌های بازار چون پالایشی‌ها خواهیم بود و با توجه به لیدر بودن امثال این گروه در بازار احتمالا هفته آینده در بازار روند صعودی قابل توجه داشته باشد.

### شوک درمانی یا کاهش سهم حاکمیت به نفع بخش خصوصی

# چرا هنوز مناقشه اصلی اقتصاد ایران بر سر نقش دولت است؟

اقتصاد ایران در دهه‌های گذشته همواره محل تقابل دو نگاه متفاوت به سیاستگذاری اقتصادی بوده است؛ دو رویکردی که هر یک نسخه متفاوتی برای حل مشکلاتی مانند تورم، رکود، فقر و نابرابری ارایه می‌کنند. یک دیدگاه بر این باور است که دولت باید هر چه بیشتر از اقتصاد فاصله بگیرد، قیمت‌ها را آزاد کند، یارانه‌های غیرهدفمند را حذف کند، اندازه دولت را کاهش دهد و اجازه دهد سازوکار بازار منابع را به شکل کارآمدتری تخصیص دهد. در مقابل، دیدگاهی دیگر معتقد است در اقتصادی که با تحریم، انحصار، نابرابری و ضعف نهادهای رقابتی روبه‌رو است، عقب‌نشینی دولت نه‌تنها مشکلات را حل نمی‌کند بلکه می‌تواند به گسترش فقر و نابرابری منجر شود و از همین رو دولت باید نقش فعال‌تری در حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و تنظیم بازار ایفا کند.

این دوگانگی فکری، سال‌هاست که در تصمیم‌های مهم اقتصادی کشور از اصلاح یارانه‌ها و آزادسازی قیمت انرژی گرفته تا خصوصی‌سازی و سیاست‌های ارزی خود را نشان داده است. موافقان اقتصاد بازار معتقدند قیمت‌گذاری دستوری و مداخلات گسترده دولت موجب شکل‌گیری رانت، فساد، اتلاف منابع و کاهش بهره‌وری شده و تا زمانی که اقتصاد به سمت رقابت و آزادسازی حرکت نکند، امکان دستیابی به رشد پایدار وجود نخواهد داشت.

در مقابل، گروهی از اقتصاددانان با تاکید بر تجربه اقتصاد ایران هشدار می‌دهند که اجرای سیاست‌های موسوم به «شوک‌درمانی» بدون فراهم شدن پیش‌نیازهای نهادی، اجتماعی و حمایتی، می‌تواند فشار سنگینی بر معیشت مردم وارد کند. به اعتقاد آنان، اقتصاد ایران با اقتصادهای باثبات و رقابتی تفاوت‌های بنیادین دارد و نسخه‌های مبتنی بر آزادسازی کامل، در صورت اجرا بدون اصلاح ساختارهای اقتصادی، ممکن است به افزایش شکاف طبقاتی بینجامد. یکی از شناخته‌شده‌ترین مدافعان این رویکرد، فرشاد مومنی است؛ اقتصاددانی که سال‌هاست نسبت به پیامدهای سیاست‌های تعدیل اقتصادی و آزادسازی ناگهانی قیمت‌ها هشدار می‌دهد. او در تازه‌ترین تحلیل خود نیز با اشاره به شرایط اقتصادی کشور، بار دیگر از آنچه «شوک‌درمانی» می‌نامد، به عنوان یکی از عوامل اصلی بروز مشکلات اقتصادی یاد کرده است. مومنی معتقد است: بخش مهمی از دشواری‌های امروز اقتصاد ایران، حاصل سیاست‌هایی است که بدون توجه به ظرفیت‌های تولیدی، عدالت اجتماعی و آثار توزیعی اجرا شده‌اند. از نگاه او، افزایش ناگهانی قیمت‌ها، کاهش حمایت‌های اجتماعی و تصمیم‌های اقتصادی فاقد پشتوانه کارشناسی، در سال‌های گذشته روند فقرزایی را تشدید کرده و بخش قابل توجهی از جامعه را تحت فشار قرار داده است. به باور این اقتصاددان، مهم‌ترین مساله امروز اقتصاد ایران تنها رشد شاخص‌های کلان نیست، بلکه کیفیت این رشد و نحوه توزیع منافع آن در جامعه اهمیت دارد. اگر رشد اقتصادی به کاهش نابرابری، افزایش رفاه عمومی و بهبود وضعیت تولید منجر نشود، نمی‌توان آن را موفقیتی پایدار دانست. فرشاد مومنی در نشستی که موسسه مطالعات دین و اقتصاد با موضوع «مصدق و آرمان‌های مشروطیت» برگزار شد، با اشاره به اینکه از دیدگاه اقتصاد سیاسی توسعه می‌توان ادعا کرد که انقلاب مشروطیت بزرگ‌ترین ضربه تاریخی به استبداد در ایران بود، گفت: با کمال تاسف به‌واسطه اینکه در شرایط کنونی ایران اندیشه توسعه، جایگاه بایسته‌ای ندارد و تقاضای چندانی به‌خصوص در سطوح تصمیم‌گیری و تخصیص منابع برای بهره‌گیری از این ذخیره دانایی مشاهده نمی‌شود، ما به دستاوردهای روش‌شناختی، نظری و عملی اندیشه توسعه خیلی کم بها داده‌ایم. وی افزود: یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های دانش توسعه، پافشاری روی نگرش بین‌رشته‌ای یا فرارشته‌ای برای فهم آنچه در ایران می‌گذرد و آنچه باید بگذرد، است. در این فهم بین‌رشته‌ای، شاید یکی از حیاتی‌ترین مسائل، رابطه و پیوندهای میان سیاست و اقتصاد باشد. مثلا در بین متفکران بزرگ برنده جایزه نوبل، به‌واسطه صورت‌بندی نظری مسائل توسعه که نگاه می‌کنید چه در آثار نورث، ویلیامسون و دیگران، بیشترین توجهی که آنها به توسعه‌خواهان دنیا می‌دهند، این است که می‌گویند به‌درهم‌تنیدگی‌های میان اقتصاد و سیاست توجه کنید.

این اقتصاددان افزود: وقتی از سطح توسعه نگاه می‌کنید تمام چرخه‌های باز تولیدکننده توسعه‌نیافتگی را از دریچه سیاست و نوع پیوندی که با اقتصاد برقرار می‌کند، می‌توان شناخت. برای مثال، در کتاب «فهم فرآیند تحول اقتصادی» و همین‌طور در کتاب «نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی» بحث بسیار مبسوطی مطرح می‌شود درباره اینکه هر قدر مناسبات به سمت استبداد حرکت می‌کند، بر شدت فشارهای ساخت سیاسی در زمینه شفاف‌سازی اطلاعات و شفاف کردن فرآیندهای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع افزوده می‌شود. وی ادامه داد: این واقعا دریچه‌ای است که شاید بتوان ساعت‌ها درباره آن به اعتبار شرایط روز ایران بحث کرد. همگان کم‌وبیش قبول دارند مهم‌ترین کانون نزاع‌های رانتی در ایران، مساله ارزهای خام‌فروشانه است. حالا این خام‌فروشی می‌خواهد نفت باشد، گاز باشد یا مشابه آن. مومنی بیان کرد: در سال‌های اولیه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی یک اصرار غیرمتعارف در ساختار سیاسی و وجود داشت مبنی بر اینکه تک‌تک دلارهای خام‌فروشانه، منطق تصمیم‌گیری و نحوه تخصیص منابعش شفاف باشد. برای اولین بار و متاسفانه تا امروز آخرین بار، در دولت آقای مهندس موسوی، دولت به معنای قوه مجریه خودش به‌صورت ارادی، آگاهانه و داوطلبانه تصمیم‌گیری درباره نحوه تخصیص دلارهای نفتی را به مجلس ارجاع می‌دهد و بر اساس تدبیر خارق‌العاده شهید بهشتی در قانون اساسی، هر چیزی که از کانال مجلس عبور می‌کند، به‌لزوم شفاف می‌شود. بنابراین همه آگاه بودند که در کل سال‌های جنگ، هر یک دلاری که از محل خام‌فروشی به دست می‌آمد، قرار بود در چه زمینه‌ای اختصاص پیدا کند. آنهایی که به رابطه اقتصاد و سیاست از این دریچه علاقه‌مند باشند، می‌توانند به گزارش‌های سازمان برنامه و بودجه در آن دوره نگاه کنند که در تمام سال‌های دهه اول بعد از پیروزی انقلاب، به اعتبار این اهتمام به شفافیت شاهد این هستیم که هر قدر درآمد خام‌فروشی بیشتر می‌شد، رشد اقتصادی بیشتر و توزیع عادلانه‌تر عایدات رشد را شاهد بودیم. ولی هر قدر که از اجرای برنامه تعدیل ساختاری گذشت، می‌بینید که دایما تمایل به عدم شفافیت درباره نحوه تخصیص دلارهای نفتی افزایش پیدا می‌کند و نتیجه آن این است که توزیع عایدات رشد به طرز گاهی اوقات فاجعه‌آمیزی ناعادلانه است و ما بابی‌سابقه‌ترین فاجعه‌های فقرزایی فزاینده، به‌خصوص از نیمه دوم دهه ۱۳۹۰ تا امروز روبه‌رو هستیم. مومنی تصریح کرد: یعنی می‌خواهم بگویم مساله شفافیت که از دریچه نحوه رابطه بین اقتصاد و سیاست مورد توجه قرار می‌گیرد و اهمیت نوع پیوند ساخت سیاسی با جامعه مدنی و بدنه اجتماعی را مشخص می‌کند، چگونه سرنوشت اقتصاد را رقم می‌زند. می‌خواهم بگویم وقتی می‌گوییم مشروطه با کیفیت‌ترین و عمیق‌ترین شکل‌های قابل تصور پایه‌های استبداد را در ایران لرزاند آن وقت متوجه خواهید شد که این از دریچه اقتصاد سیاسی چه دلالت‌هایی دارد.

وی در ادامه گفت: نکته بسیار مهم دیگری که از این زاویه مورد توجه قرار گرفته، رابطه استبداد با اصرار بر تداوم ساخت تولید معیشتی است. همان‌طور که می‌دانید ساخت تولید معیشتی مهم‌ترین مشخصه‌اش این است که به‌شدت فرسوده‌کننده جسم انسان‌هاست و با اینکه بسیار طاقت‌فرساست، بازدهی بسیار اندکی هم دارد. بنابراین پیوند تمام عیاری بین ساخت تولید معیشتی و گسترش و تعمیق فقر و تشدید عقب‌ماندگی و وابستگی‌های ذلت‌آور به دنیای خارج در ادبیات توسعه مورد توجه قرار گرفته است. وی با اشاره به اینکه مهم‌ترین مشخصه ساخت تولید معیشتی که این کارکردها را از خود ظاهر می‌کند این است که در چارچوب این ساخت امکان بهره‌گیری از دستاوردهای نوین علمی و فنی برای ارتقای بنیه تولیدی وجود ندارد، گفت: اگر به این موضوع از دریچه اقتصاد سیاسی بین‌الملل علاقه‌مند بودید که ببینید این فقر و عقب‌ماندگی چگونه ناگزیر به وابستگی‌های ذلت‌آور هم منجر می‌شود، توصیه می‌کنم کتاب «تاریخ اقتصادی خاورمیانه و شمال آفریقا» نوشته چارلز عیسوی را مطالعه بفرمایید. در این کتاب، تحولات اقتصادی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا از سال ۱۹۰۰ تا ۱۹۷۰ مورد بررسی قرار گرفته و از جهات متعددی این کتاب برای فهم آنچه امروز در ایران می‌گذرد، راهگشاست. وی افزود: نگاه کنید که در چارچوب برنامه منحط تعدیل ساختاری، خیلی تاکید افراطی می‌شود که قیمت‌ها رهاسازی شوند و قیمت‌های رهاسازی‌شده علامت‌دهنده اصلی به بازیگران اقتصادی باشند و سرنوشت کشور در این چارچوب رقم بخورد. چارلز عیسوی در این کتاب می‌گوید که در کل دوره مورد بررسی، در کل کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، می‌بینیم که در مورد تمام اقلام تجاری، رابطه مبادله با غرب نزولی است؛ یعنی کشورهای منطقه دایما برای اقلام صادراتی خود بهای کمتری دریافت و برای اقلام وارداتی‌شان بهای بیشتری پرداخت می‌کنند. او بعد می‌گوید: در این زمینه سه استثنا وجود دارد. یعنی متقاضیان غربی محصولات خام‌فروشانه این منطقه، آگاهانه در مورد سه کالا بهای بیشتری پرداختند تا سهم بیشتری از منابع انسانی و مادی این منطقه در گیر تولید این سه محصول شود. این سه محصول چه هستند؟ تریاک، شراب و فرش دستباف.

این پژوهشگر اقتصادی در ادامه عنوان کرد: این موضوع دو نوع زمین‌گیری برای کشورهای منطقه ایجاد می‌کند؛ یکی اینکه قادر به رفع فقر نیستند و دوم اینکه دایما عقب‌ماندگی‌هایشان تشدید می‌شود؛ بنابراین تنها راهی که برای خود باقی می‌ماند، اتکای به قدرت‌های بیرونی است. به گفته وی، اصلا امکان ندارد مساله اقتصاد و سیاست را جدا از هم نگاه کنیم و بتوانیم واقعیت‌ها را همان‌طور که هستند، بفهمیم. در این زمینه مثال‌ها آنقدر تکان‌دهنده است به‌ویژه آنجا که مساله تجربه ایران مطرح می‌شود و این همگی نشان‌دهنده این است که واکاوی عمیق تاریخ چقدر برای ما عبرت‌آموز است. مومنی در ادامه صحبت‌هایش گفت: چارلز عیسوی یک کتاب بسیار درخشان دیگر به نام «تاریخ اقتصادی ایران» دارد که عملکرد اقتصاد ایران را از ۱۸۰۰ تا ۱۹۰۰ بررسی کرده است. در اینجا نشان می‌دهد که اگر ما روی آن پیام کلیدی آدام اسمیت که می‌گوید من قیمتی را «قیمت بازاری» می‌نامم که منعکس‌کننده توزیع عادلانه سهم عوامل تولید باشد، تمرکز کنیم، می‌بینیم که امروز تفسیر رایج از بازار، تفسیر رهاسازانه است. یعنی کسانی پیدا شدند که حتی پای خدا را هم وسط کشیدند و می‌گویند: «تحت هیچ شرایطی حکومت نباید به قیمت‌ها کاری داشته باشد، چون قیمت‌ها را خدا تعیین می‌کند.» این اقتصاددان اظهار کرد: من پیش از این هم در بحث‌های مفصل گفته‌ام که اگر چنین باشد، معلوم می‌شود خدای مورد نظر الیگارش‌ها و مافیاها هستند که از موقعیت‌های انحصاری و شبه‌انحصاری خود استفاده و بی‌رحمانه‌ترین ظلم‌ها را در حق فقیرترین گروه‌های درآمدی اعمال می‌کنند. وی با اشاره به دیدگاه آدام اسمیت درباره بازار اظهار کرد: اسمیت قیمت بازاری را قیمتی می‌داند که عدالت در توزیع سهم عوامل تولید در آن رعایت شده باشد. همچنین رقابت از نظر او به معنای رهاسازی نیست، بلکه رقابتی اعتلابخش است که در آن طرفین رقابت از توان برابر برخوردار باشند. در غیر این صورت اگر رقابت به معنای رها کردن ضعیف در چنگال قوی‌تر باشد نتیجه‌ای جز اضمحلال و بردگی نخواهد داشت. مومنی ادامه داد: وقتی می‌گوییم انقلاب مشروطیت بزرگ‌ترین ضربه را به ساختار استبداد در ایران وارد کرد، معنایش این است که آثار این تحول باید در ساختار اقتصادی نیز مشاهده شود در غیر این صورت انقلاب به ضد خود تبدیل خواهد شد. همان گونه که در فاصله سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۲۹۹ و سپس تا کودتای ۱۳۳۲، هم‌زمان با باز تولید استبداد، کارکردهای توسعه‌ای ناشی از تضعیف آن نیز متوقف شد. این اقتصاددان با اشاره به نظریه «توازن دوگانه» در اقتصاد نهادی گفت: این نظریه بر درهم‌تنیدگی کامل اقتصاد و سیاست تاکید دارد و معتقد است اگر تحولات سیاسی آثار متناظر خود را در اقتصاد نشان ندهد، آن دستاوردها ناپایدار خواهند بود. از همین منظر می‌توان فراز و فرودهای عملکرد اقتصادی ایران به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی را تحلیل کرد. پژوهشگرانی نیز بر پیوند عمیق میان استبداد و فساد تاکید کرده‌اند و ویلیامسون نیز میان استبداد و بحران امنیت حقوق مالکیت رابطه‌ای مستقیم می‌بیند؛ بنابراین فساد، کاهش رشد اقتصادی و ناامنی حقوق مالکیت از پیامدهای طبیعی مناسبات استبدادی هستند. وی با بیان اینکه انقلاب مشروطه ضربه‌ای مهلک، اما موقتی به درخت تنومند استبداد وارد کرد، اظهار کرد: به محض تضعیف استبداد، جنبشی فراگیر در دفاع از تولید ملی شکل گرفت و حتی فتوا و توصیه‌هایی در حمایت از تولید داخلی صادر شد که در تاریخ ایران کم‌نظیر است. این استاد دانشگاه با انتقاد از فراموش شدن چهره‌های اثرگذار این جنبش گفت: چرا از شخصیت‌هایی مانند سید جمال‌الدین واعظ و ملک‌المتکلمین که از برجسته‌ترین شهدای انقلاب مشروطه و پیشگامان جنبش دفاع از تولید ملی بودند، کمتر سخن گفته می‌شود؟ در نهایت، اختلاف این دو رویکرد بیش از آنکه صرفا یک بحث نظری باشد، به یکی از مهم‌ترین مناقشه‌های سیاستگذاری اقتصادی ایران تبدیل شده است. پرسش اصلی همچنان پابرجاست: آیا عبور از مشکلات اقتصادی نیازمند آزادسازی بیشتر و کاهش نقش دولت است یا آنکه در شرایط کنونی، دولت باید با مداخله فعال‌تر از تولید، اشتغال و معیشت مردم حمایت کند؟ پاسخ به این پرسش، همچنان یکی از تعیین‌کننده‌ترین موضوعات اقتصاد ایران در سال‌های پیش‌رو خواهد بود.